

سیمای امام علی (ع) در مفردات راغب اصفهانی*

دکتر رضا فرشچیان

استاد یار دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر ناصر محسنی نیا

استاد یار دانشگاه شهید باهنر کرمان

چکیده

المفردات فی غریب القرآن اثر راغب اصفهانی شناخته شده‌ترین نوشتار غریب القرآن از پیشتازی امیرمؤمنان (ع) در حوزه غریب القرآن نشان دارد و گویای بزرگی مقام آن امام در دیدگان راغب است. او فضایل علی (ع) را یاد کرده، به روایات آن حضرت (ع) استناد می‌جوید و با احترام ویژه‌ای از ایشان سخن می‌گوید. مفردات، حاکی از تشیع نویسنده آن نیست از این رو دانش و دیگر ویژگی‌های امام (ع)، وی را به یاد کردن و بهره بردن از سخنان علی (ع) واداشته است.

واژگان کلیدی

علی (ع)، غریب القرآن، راغب اصفهانی، المفردات

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۵/۳ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۶/۸/۱

نشانی پست الکترونیک نویسنده: farshchian@mail.uk.ac.ir

Mohseni nia_nm@yahoo.com

۱- مقدمه

بی شک المفردات فی غریب القرآن مشهورترین اثری است که در حوزه واژگان قرآن کریم به رشته تحریر درآمده است. نویسنده توانای آن، راغب اصفهانی در آغازین سالهای سده ششم هجری دیده از جهان فرو بست، اما مفردات او قرنهاست که بی رقیب مانده است. سیوطی (م/۹۱۱ق)، شناخته شده ترین دانشمند علوم قرآنی، مفردات را درزمره بهترین آثار در حوزه غریب القرآن معرفی کرده (۱۴۰۷ق، ج ۱، ۳۵۳) و تاکنون نیز چنین مانده است.

مفردات نشان می دهد که از مبانی اجتهاد راغب در فهم معانی واژگان قرآنی، سخنان صحابه و تابعین است. او اگر چه از آنان یاد می کند، نگاه ویژه ای به علی (ع) دارد؛ فضایل آن حضرت را یادآور می شود؛ با احترام ویژه ای از ایشان نام می برد و میزان استاد های او به سخنان علی (ع) بسیار بیشتر از دیگر صحابه است.^(۱)

مفردات، گویای تشیع راغب^(۲) نیست؛ بلکه در مواردی جز آن را نشان می دهد. او با اینکه با احترام بیشتری از امام (ع) نسبت به دیگر صحابه یاد می کند در همان حال، نام شیخین را برنام امام مقدم می دارد (۱۴۰۴ق، صص ۵۲، ۶۱) و ناخود آگاه مقدمه این ابی الحدید در شرح نهج البلاغه به یاد می آید که حدایی را می ستاید که مقدم داشت آن کس را که مقامش پایین بود بر آن که بالاترین مقام را داشت^(۳) (۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۳) و می بینیم به روایت مجعول "إنا معاشر الأنبياء لانورث" استاد می کند^(۴) و چنان سخن می گوید که گویی علی (ع) جز در علم، وارث پیامبر (ص) نیست (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۱۹).

بنابراین، نگاه ویژه راغب به امام (ع) و سخنان آن حضرت نمی تواند از تعصب مذهبی ریشه گرفته باشد و اگر او معتقد به علم امام (ع)^(۵) و پیشتازی ایشان در حوزه غریب القرآن نبود، قطعاً در مفردات این چنین از علی (ع) و سخنان ایشان یاد نمی کرد.

۲- ذکر فضایل امیر المؤمنین (ع)

مفردات از یاد کردن روایاتی که فضیلتی از فضایل علی (ع) را نشان می دهد، خالی نیست. راغب، همان زمان که واژه ای را شرح می دهد و یا از نامی یاد می کند،

حتی با اندکی مناسبتی به فضایل علی (ع) اشاره دارد. برخی از این موارد به قرار زیر است:

۲-۱- انا مدينة العلم و علی بابها

در مدخل "باب" در بیان اینکه مراد از باب، در «علم چیست»، به روایت پیامبر (ص) اشاره می‌کند که به علی (ع) فرمود: من شهر علم و علی باب آن است و اضافه می‌کند: یعنی به وسیله او به علم راه یافته می‌شود (ص ۶۴). به همین معنی صاحب فیض القدیر اشاره دارد (المناسی، ۱۳۵۶ق، ج ۱، ص ۳۶) و نیز گویند: مراد از این روایت این است که هر که راه علی را پیش بگیرد به شهر علم در آمده و هر که نه، راه هدایت را گم کرده است: و من اخطأه اخطأ طریق الهدی (همان، ج ۳، ص ۴۶).

۲-۲- علی أفضاکم

راغب آنجا که "قضاء" را توضیح می‌دهد و از سختی حکم به درستی با نادرستی چیزی سخن می‌گوید به روایت پیامبر اکرم (ص) استناد می‌کند که فرمود: علی در حکم کردن از همه شما تواناتر است (ص ۴۰۷). ابن ابی الحدید، شارح معتزلی مذهب نهج البلاغه، قضاء را همان فقه می‌داند و معتقد است که روایت "أفضاکم علی" پرده دیگری از فقاہت آن حضرت (ع) است (۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۱۸).

۲-۳- إن لک بیتاً فی الجنة و إتیك لدو قرنیها

در واژه قرن، تنها به نام ذوالقرنین اشاره دارد و بدون هیچ توضیحی از آن می‌گذرد، ولی بلافاصله به ذکر این روایت پیامبر (ص) در مورد علی (ع) می‌پردازد (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۱).

روشن است که راغب در صدد بیان فضیلتی از فضایل علی (ع) است و اگر هدف وی تنها بیان واژه بود، بایستی واژه "ذوالقرنین" را می‌شکافت و از احتمالات آن سخن می‌گفت. وی در بیان اینکه مراد از ذوالقرنین بودن علی (ع) چیست، می‌نویسد: یعنی تو (ای علی) در میان امت همانند ذوالقرنین می‌باشی (همانجا). در التدوین این روایت به همان صورتی دیده می‌شود که راغب ذکر کرده (القزوینی، ۱۹۸۷م، ج ۱، ص ۴۶۹) و با اندکی اختلاف با آنچه راغب نقل کرده است به صورت «یا علی إن لک کنزاً فی الجنة» نیز روایت شده است. (ر. ک

این جنبل، بی تا، ۱/ ۱۵۹؛ این اُبی شیبه، ج ۴، ص ۷؛ النیسابوری، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۱۳۳).

۲-۴- انا ربانی هذه الامه

راغب آن هنگام که از "رب" سخن می گوید، واژه زبانی را نظیر واژه "الهی" می داند و به روایت مورد اشاره از علی (ع) استناد می کند (۱۴۰۴ق، ص ۱۸۴). این در حالی است که به این روایت در نهایت فی غریب الحدیث و یا الفائق که به لغات احادیث اختصاص دارد، استناد نشده است (نک: این اثر الجزری، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۱۵۴، الزمخشری، الفائق، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۲۹) ولی در مفردات، که مخصوص لغات قرآن است، مورد استناد قرار گرفته است.

۲-۵- اللهم فقهه فی الدین

راغب، آیات مشابه قرآن را بر سه قسم می داند؛ دسته ای از آنها که علم کسی بدان راه پیدا نمی کند؛ همانند علم به وقت رستاخیز؛ بخشی را انسان می تواند بداند، همانند واژگان مشکل و دسته سومی که شناختش مخصوص برخی از راسخان در علم است و بر دیگران مخفی است. وی سپس سخن پیامبر (ص) نسبت به علی (ع) را که خدایا در دین فقیهش گردان و تأویل را بدو بیاموز، اشاره به این نوع می داند (۱۴۰۴ق، ص ۲۵۵). لازم به توضیح است که علامه مجلسی، همین مطلب را به نقل از راغب در بحار الانوار آورده است (۱۴۰۴ق، ج ۶۶، ص ۹۱)، ولی در منابع بسیاری مراد از روایت، ابن عباس دانسته شده است (ر.ک این جنبل، بی تا، ج ۱، ص ۳۵۵؛ الخطیب البغدادی، بی تا، ج ۱ ص ۱۷۳؛ الطبرانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰ ص ۲۶۳؛ ج ۱۱ ص ۱۱۰).

۳- استناد به سخنان علی (ع)

راغب اصفهانی به مناسبتهای گوناگون از سخنان و روایات امیر مؤمنان (ع) در شرح واژگان قرآنی سود می جوید. این در حالی است که نسبت استناد به روایات علی (ع)، نسبت به سخنان خلفای سه گانه بسیار بیشتر است. راغب گاه روایت را با ذکر نام علی (ع) و استناد مستقیم به آن حضرت (ع) می آورد و زمانی نیز به روایاتی که در منابع دیگر به امام (ع) نسبت داده شده، استناد می کند. نمونه هایی از آنها بدین قرار است:

۳-۱- استناد به روایات با نام بردن از علی (ع)

۱. در اینکه اصل واژه "إله" به چه معنی است، اختلاف وجود دارد. بنا بر یک رأی، اصل این واژه به معنی تحیر است. راغب این قول را به سخنی از امیر مؤمنان (ع) مستند می‌سازد. این رأی اشاره دارد به آنچه امیر المؤمنین (ع) فرمود: کلّ دون صفاته تحیر الصفات و ضلّ هناك تصاریف اللغات و در توضیح آن می‌آورد: این نامگذاری به این مناسبت است که چون بنده در صفات خدا فکر کند، متحیر گردد (۱۴۰۴ق، ص ۲۱).

۲. هنگامی که واژه "أبتر" را بیان می‌کند به روایت مشهور امیر مؤمنان (ع) اشاره دارد. بنا بر این سخن، آن حضرت (ع) می‌فرماید: دانشمندان تا روزگار باقی است، ماندگار هستند؛ وجودشان ناپیداست، اما آثارشان در قلبها موجود است. راغب اضافه می‌کند این در مورد دانشمندان پیرو پیامبر (ص) است، چه رسد به شخص پیامبر (ص) که خدای تعالی ذکرش را بلند گردانیده است و او را خاتم الانبیاء قرار داد (همان، ص ۳۶)، این روایت برای بار دیگر در واژه جبر نیز مورد استناد راغب قرار گرفته است؛ آنجا که می‌گوید از آن جهت به دانشمندان، اجبار می‌گویند که آثار دانش آنها در دل‌های مردم به یادگار می‌ماند ... (همان، ۱۰۶). استاد به یک روایت علی (ع) در دو مورد علاوه بر اینکه نشاندهنده مقام علی (ع) نزد راغب است، حاکی از اعتبار خود روایت نزد نویسنده مفردات نیز هست.

۳. آیه ۱۰۳ سوره انعام اشاره دارد به اینکه چشمها خدا را در نیابند در حالی که او چشمها را دریابد. راغب می‌گوید: امیر مؤمنان (رض) فرموده: "توجد آن است که او را به اندیشه در نیآوری" التوجد أن لا توهمه. "بنابراین، مراد از ابصار تنها چشم سر نیست، بلکه وهم و فهم را نیز در برگیرد (همان، ص ۴۹).

۴. در تفسیر ظاهر و باطن آرایسی چند دیده می‌شود (نک: السرازی، ۱۳۹۶: ۳۳۲-۳۳۳). راغب به روایتی از علی (ع) در تفسیر این دو لفظ استناد می‌کند. او بر بندگانش تجلی یافته، بدون اینکه او را ببینند و خود را به آنها نمایانده است، بدون اینکه بر آنها تجلی کند^(۷) (۱۴۰۴ق، ص ۵۲). و می‌افزاید آگاهی بر این روایت نیازمند فهمی روشن و عقلی فراوان است. این شیوه برخورد با روایت، خود گویای تواضع علمی راغب در مقابل مقام علی (ع) است.

۵. در بیان اینکه آزمایش الهی تنها به سختی‌ها نیست، بلکه گاه با امور خوشایند نیز هست تا بنده از در امتحان سربلند به در آید، راغب به سختی از علی (ع) استناد می‌جوید که ایشان می‌فرماید: کسی که دنیایش بر او فراخ و بر نعمت شد و نفهمید که فریب خورده، او به خدعه و فریب عقلش دچار شده است^{۸۱} (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ج ۱، ص ۳۱۲). وی در توضیح مکر الهی مجدداً به این روایت استناد می‌جوید؛ چرا که مکر خدا گاه با مهلت دادن و توانا ساختن بندگان صورت می‌پذیرد (همو، ۱۴۰۴ ص ۴۷۱). این استناد مجدد گویای اعتبار ویژه روایت نزد راغب است.

۶. در بحث از معنای "جبر" و "جبرایی" "جبار" خوانده شدن ذات اقدس باری تعالی (حشر/ ۲۳) چند نظر دیده می‌شود^(۸۲)؛ از آن جمله است: تفسیر "الجبار" بر اساس معنای معروف جبر، که عبارت از قهر و چیرگی است و دیگر اینکه به مصلح امور تفسیر شود (نک: الرازی، ۱۳۹۶ ق، صص ۲۰۰-۱۹۷). راغب هر دو قول را به سخنانی از علی (ع) مستند می‌سازد. نظر نخست را به روایت "یا باری المسموکت و جبار القلوب علی فطرتها شقیها و سعیدها"^(۸۳) اعتبار می‌بخشد و در بیان روایت می‌نویسد که مراد سرشتن قلبها بر معرفت (الهی) است (۱۴۰۴ ق، ص ۸۶) و رأی دیگر را نیز به دعایی از علی (ع) مستند می‌سازد: ای مصلح هر شکسته و آسانگر هر سختی^(۸۴) (همان، ص ۸۶).

۷. امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: الناس أبناء ما یحسنون (نک: الکلینی، ۱۳۶۷ ش، ج ۱، ص ۵۰؛ الآمندی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۸۵). راغب، این سخن امام (ع) را در تفسیر واژه "احسان" آورده و آن را از باب احسان و نیکی کردن در کارها دانسته است و گوید مراد از این عبارت این است که مردم منسوبند به آنچه می‌دانند و آن، نیکی‌هایی که انجام می‌دهند (۱۴۰۴ ق، ص ۱۱۹).

۸. برخی از دانشمندان بر آنند که زمانی به مال، "خیر" گفته می‌شود که فراوان باشد و منشأ پاک داشته باشد. راغب نظر اینان را به روایتی از امام علی (ع) مستند می‌سازد. یکی از موالی^(۸۵) آن حضرت از وصیت کردنش می‌پرسد، امام به او می‌فرماید: نه؛ چرا که خدای تعالی فرموده است: إن ترک خیراً (بقره/ ۱۰۸) و تو دارایی فراوانی نداری (۱۴۰۴ ق، ص ۱۶۰).

۹. راغب در بیان "معاد" در آیه "إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادِّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ" (قصص/ ۸۵)، نظر صحیح را آنچه امیر مؤمنان (ع) به آن اشاره کرده که

بهشت است، می‌داند و از قول مشهور، که "معاد" را مکه می‌داند با "قیل" یاد می‌کند که نشان از نادرست دانستن آن دارد. این روایت را حاکم نیشابوری و دیلمی از علی (ع) در کتابهای خویش ذکر کرده‌اند (السیوطی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۴۴۶)، همانند این تفسیر، روایاتی چند از ابن عباس و ابوسعید خدری نیز دیده می‌شود (همانجا).

۱۰. مفردات از استناد به اشعار خالی نیست، از جمله آنها، ایاتی منسوب به علی (ع) است که راغب بدان در تفسیر واژه "عقل" استناد کرده است. به دانشی که آدمی با نیروی عقل از آن سود می‌جوید، عقل گویند. وی آن گاه به این ایات استناد می‌کند:

رأيت العقل عقليين فمطبوع و مسموع
و لا ينفع مسموع اذا لم يك مطبوع
كما لا ينفع الشمس وضوء العين ممنوع^(۱۳)

سید رضی این معنی را چنین از علی (ع) نقل کرده است: العلم علمان: مطبوع و مسموع و لا ينفع المسموع اذا لم يكن المطبوع (بی تا، ص ۵۳۴).

با ملاحظه تفاوت ایات و روایت در واژه عقل و علم می‌توان به درستی نظر راغب بی برد و به همین صورت عبدالرؤف مناوی در شرح جامع صغیر سیوطی نیز از دو بخش عقل به مطبوع و مسموع یاد می‌کند (۱۳۵۶ق، ج ۳، ص ۲۸۰).

۳-۲- نوعی دیگر از استناد به روایات علی (ع)

گاه در مفردات مشاهده می‌شود که راغب به سخنان امام علی (ع) استناد می‌کند، ولی نام آن حضرت (ع) را یاد نمی‌کند. احتمال دارد درستی روایت نزد وی به اثبات نرسیده و یا مشهور بودن روایت و ذکر آن در کتابهای معتبر دلیل آن باشد. از این روست که مستقیماً به نام آن حضرت (ع) اشاره نمی‌کند.

۱. واژه "سلسیلاً" (انسان، ۱۸) را برخی مرکب از "سل" و "سیل" دانسته‌اند. راغب در همین حد از این ترکیب سخن می‌گوید و از گوینده آن نام نمی‌برد (۱۴۰۴ق، ص ۲۳۷)، ولی زمخشری می‌نویسد که این سخن را به علی (ع) نسبت داده‌اند و آن گاه توضیح می‌دهد که این نظر با ظاهر آیه سازگار نیست مگر اینکه بگوییم همانند تأبط شرأ، اسم علم برای چشمه باشد که نوعی تکلف و بدعت و نوآوری محسوب می‌شود و نسبت دادن آن به مثل علی (ع) عجیتر

است^(۱۴) (تفسیر الکشاف، ۱۴۲۶، ص ۱۱۶۶). اینک مشخص می شود که چرا راغب، این سخن را به امام (ع) نسبت نداده است.

۲. در ماده "سمک" می نویسد در برخی از دعاها آمده است "یا باری السموات المسموکات"^(۱۵) (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۴۳)، ولی پیشتر گذشت که راغب این دعا را از امیرمؤمنان (ع) دانسته است (همان، ص ۸۶). بنابراین، دلیل نام نبردن از امام (ع) در همین کتاب سابقه دارد. این دعا را می توان در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید (۳۸۵ق، ج ۱۹، ص ۱۳۵) و النهایه (ابن اثیر، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۳۴۲) دید.

۳. در بیان واژه مُتَنَطَّق، احتمال می دهد که مراد، کسی است که نطاق (کمر بند) را محکم بسته باشد و آن را همانند این سخن "من یطل ذیلُ ایه ینتطق به" می داند (۱۴۰۴ق، ص ۴۹۱). زمحشری در "الفائق" (۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۶۷) و ابن اثیر در "النهایه" (۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۸۳) این سخن را با عبارت من یطل اُیر اُیه ... به علی (ع) نسبت داده اند و مراد از آن این است که هر که برادرانش فراوان باشد به آنان پشتگرم است و عزت می یابد.^(۱۶) (همانجا) ولی با جستجوی فراوان در کتابهای حدیث شیعه و اهل سنت، این سخن دیده نشد و به احتمال فراوان راغب نیز به استناد آن به علی (ع) اطمینان نداشته و از این رو به آن حضرت (ع) نسبت نداده است.

۴. راغب در ماده "طعم" با عبارت قال علیه الصلاه والسلام به روایت "اذا استطعمکم الامام فاطعموه" استناد کرده است. این روایت صراحتاً در "عون المعبود" (العظیم آبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۲۴)، "سنن دارقطنی" (الدارقطنی، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۴۰۰)، "التمهید" (ابن عبد البر، ۱۳۸۷ق، ج ۲۱، ص ۱۰۸) و "القاموس المحيط" (الفیروزآبادی، ۱۴۲۵ق، ص ۱۱۴۴) به علی (ع) نسبت داده شده است، ولی ابن اثیر در النهایه (۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۱۰۵) و ابن ابی الحدید (۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۲۴۴) همانند راغب تنها به حدیث بودن این سخن اشاره کرده و از مصدر حدیث سخن نگفته اند و احتمال دارد که این چند تن به درستی به منشأ روایت آگاهی نداشته اند.

۵. در فروع کافی (الکلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۵، ص ۴) و نهج البلاغه (السید الرضی، بی تا، ص ۶۹)^(۱۷) از امیرمؤمنان (ع) نقل شده است که فرمود: ما عَزَى قوم فی عُقر دارهم الا ذلّوا، بدین معنی که با هیچ قومی در میان سرزمینشان جنگ نشده، مگر اینکه خوار شدند. راغب در ماده عقر (۱۴۰۴ق، ص ۳۴۱) پس از

اینکه مراد از "عقر الدار" را اصل آن می‌داند به این سخن استناد کرده است، ولی از گوینده آن نام نمی‌برد. این اثر نیز در این خصوص، همانند مورد قبل، گویی از راغب پیروی کرده است (نک، ۱۴۲۶ ق، ج ۳، ص ۲۶۲). شاید بتوان شهرت انتساب روایت به علی (ع) را عامل ذکر نشدن نام امام (ع) دانست.

۳-۳- روایات علی (ع) از پیامبر (ص)

در مواردی، راغب به روایات امام (ع) از پیامبر (ص) استناد می‌کند. او اگر چه تنها سخن پیامبر (ص) را آورده در منابع روایی، راوی روایت، امیرمؤمنان (ع) است که این استنادها خود بیانگر اعتماد راغب به احادیثی است که توسط امام (ع) از پیامبر (ص) نقل شده است. برخی از این موارد به قرار زیر است:

۱. راغب در ماده "خیل" با عبارت قوله علیه السلام، روایت "عفونکم عن صدقة الخیل" را ذکر کرده است (ص ۱۶۲). این روایت در مسند احمد (این حنبلی، بی تاج ۱، صص ۹۲، ۱۱۳، ۱۲۱، ۱۳۲)، سنن ترمذی (الترمذی، بی تاج ۳، ص ۱۶)، سنن نسائی (النسائی، ۱۴۰۶ ق، ج ۵، ص ۳۷)، سنن ابن ماجه (این ماجه، ج ۱، ص ۵۰۷)، سنن أبوداود (أبوداود السجستانی، بی تاج ۲، ص ۱۰۱) و سنن دارقطنی (الدارقطنی، ۱۳۸۶ ق، ج ۲، صص ۹۸، ۱۲۶) و چندی دیگر از منابع به نقل علی (ع) از پیامبر (ص) آمده است.^(۱۸)

۲. راغب در بیان واژه "المعاهد" به روایت پیامبر (ص) استناد می‌جوید، "لا یقتل مؤمن بکافر ولا ذوعهد فی عهده" (۱۴۰۴ ق، ص ۳۵۰). این روایت در منابع روایی به نقل علی (ع) از پیامبر (ص) دیده می‌شود (النسائی، ۱۴۰۶ ق، ج ۸، ص ۲۴؛ الدارقطنی، ۱۳۸۶ ق، ج ۳، ص ۹۸؛ أبوداود السجستانی، بی تاج ۴، ص ۱۸۰). مفهوم همین روایت، که حاکی از خروج اسب از دایره زکات است، به صورت "لیس فی الجبهة صدقة" نیز از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است. راغب با عبارت رؤی عن النبی (ص) از آن یاد کرده است (۱۴۰۴ ق، ص ۸۷). روایت مورد بحث نیز همانند روایت پیشین به نقل علی (ع) از پیامبر (ص) در منابع روایی با اندکی اختلاف به صورت "لیس فی الحضرات صدقة ولا فی الجبهة صدقة" در منابع روایی دیده می‌شود (نک الدارقطنی، ۱۳۸۶ ق، ج ۲، ص ۹۴ و نیز نک: البستی، بی تاج ۱، ص ۳۷۵؛ العسقلانی، الدرایه، بی تاج ۱، ص ۲۵۴، ابن جوزی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ص ۳۴).

۳-۴- یک نکته

موارد اندکی در مفردات دیده می‌شود که راغب در انتساب سخن به مصدر اصلی دچار اشتباه شده است؛ از جمله اینکه عبارت "إذا النساء بلغن نص الحقائق فالعصبة أولى في ذلك"^(۱۹) را به خلیفه دوم نسبت داده است (۱۴۰۴ق، ص ۱۲۶) این در حالی است که این سخن تنها از امام علی (ع) نقل شده است. (نک: السید الرضی، بی تا، ص ۵۱۸؛ ابن اثیر، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۷۵؛ البیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۱۲۱؛ المقدسی، ۱۴۰۰ق، ج ۷، ص ۱۳).

۴- یاد کردن از علی (ع) به امیرالمؤمنین

در روایاتی از پیامبر اکرم (ص) دیده می‌شود که آن حضرت (ص)، علی (ع) را امیرالمؤمنین خوانده است؛^(۲۰) از آن جمله فرمود: "سَلِّمُوا عَلٰی عَلِيِّ بْنِ أَبِي مَرْثَدَةَ الْمُؤْمِنِينَ" (الکلینی، ۱۳۶۷ش، ج ۱ ص ۲۹۲). راغب تنها، لفظ امیرالمؤمنین (ع) را درباره امام علی (ع) به کار می‌برد و حتی یک مورد نیز مشاهده نمی‌شود که در مفردات از دیگر صحابه با این عنوان یاد کرده باشد. این شیوه برخورد با نام علی (ع) خود گویای احترام فراوانی است که نسبت به امام علی (ع) ابراز می‌دارد. زیاست که بدانیم در دو مورد به سخن خلفا استشهاد کرده و از آنها با عنوان امیرالمؤمنین یاد نکرده است و اندکی پس از آن از امام علی (ع) با عنوان امیر المؤمنین نام می‌برد؛ برای نمونه در ماده "بطن" آورده است: "هي التي اثار اليها ابوبكر (رض) بقوله ... وقد روى عن أمير المؤمنين (رض) ما دل ... (الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۲) و نیز در ماده "بلی" از خلیفه دوم تنها نام برده است و بلافاصله با عنوان امیرالمؤمنین از علی (ع) یاد می‌کند. بنگرید: "وبهذا النظر قال عمر بئينا بالضراء فصبرنا و بئينا بالسراء فلم نصبر (خ/نشکر) و لهذا قال أمير المؤمنين من وُسع عليه دنياه فلم يعلم أنه قد مكر به فهو مخدوع عن عقله (همان، ص ۶۱).

جز آنچه گذشت، راغب در ده مورد دیگر نیز از امام (ع) با عنوان امیر المؤمنین یاد می‌کند و از آنجا که پیشتر از روایات امام (ع) که مورد استناد راغب قرار گرفته است، سخن گفته شد، تنها به نشانی آنها در مفردات بسنده می‌شود. (نک، ۱۴۰۴ق، صص ۲۱، ۳۶، ۴۹، ۸۶، ۱۰۶، ۱۱۹، ۲۳۷، ۳۴۲، ۳۵۲، ۴۷۱).

۵- نتیجه

با نگاه به آنچه در این نوشتار گذشت، نتیجه گرفته می‌شود که نویسنده بهترین و شناخته شده ترین کتاب غریب القرآن با عنایت ویژه ای به امام علی (ع) و سخنان ایشان می‌نگرد و از آنجا که مفردات، نشان از تشیع نگارنده آن ندارد، چنین رویکردی از سر تعصب مذهبی نبوده و حاکی از پیشتازی امام علی (ع) در عرصه غریب القرآن است.

یادداشتها

۱. جستجو در المفردات نشان می‌دهد که راغب از خلیفه اول، سه سخن مستقیماً نقل می‌کند (ر.ک مدخلهای درک، بطن، عقل). از خلیفه دوم هفت بار نام می‌برد (ر.ک مدخلهای بلی، تابوت، حق) در بند ۲-۴ توضیح داده خواهد شد که راغب به اشتباه در این مدخل یک روایت را به عمر نسبت داده است، {خلف، سعد، عرش، عرض} و از خلیفه سوم تنها یک بار یاد می‌کند (ر.ک مدخل: منی).
۲. سیوطی از خط زرکشی نقل می‌کند که امام فخر رازی در تأسیس التقدیس، راغب را از ائمه اهل سنت و وهم پایه غزالی دانسته است. سیوطی اضافه می‌کند که با این سخن، گمان من درباره معتزلی بودن راغب بر طرف شد (الکاتب الجلیبی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۷۷۳؛ الطهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص ۹۸). محدث قمی در هدیه الاجاب از راغب با عنوان "الشافعی" یاد کرده است (ص ۱۵۸)، اما حسن بن علی طبری از دانشمندان شیعه در قرن هفتم و صاحب کامل بهایی، راغب را از حکمای شیعه امامیه دانسته است (نک: الطهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۱۷۹؛ ج ۲۰، ص ۱۲۸) و علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه نیز راغب را از اجلاء دانشمندان ایرانی اهل سنت دانسته است (ج ۱، ص ۳۲)؛ اگرچه در جایی دیگر از کتاب برتأیید تشیع راغب دلایلی را ذکر کرده است: ۱- فراوانی روایت از اهل بیت (ع) ۲- تعبیر از علی (ع) به امیر المؤمنین ۳- ذکر روایاتی در شأن امام (ع) در کتاب محاضرات (نک: الامین، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۱۶۰). روشن است که این دلایل نهایتاً بر دوستی و محبت اهل بیت (ع) دلالت دارد و تشیع به معنی مصطلح را اثبات نمی‌کند. اگر

چنین باشد، ما همین روایات را در شأن اهل بیت در مجامع مهم حدیثی اهل سنت هم می‌یابیم (برای نمونه نک: صحیح مسلم، کتاب فضائل الصحابه، فضائل علی بن ابی طالب (رض) و فضائل الحسن والحسین (رض) آیا آنان شیعه بوده‌اند؟ لازم به ذکر است که دانشمند رجالی معاصر سید محمد حسین حسینی جلالی، راغب را از دانشمندان اهل سنت خوانده و بر مرحوم علامه امین خرده گرفته که چرا راغب را از شیعه دانسته است (الحسینی الجلالی، ج ۲، ص ۳۹۹) افزون بر آن، مفردات، که معروفترین کتاب راغب است، نیز دلالت بر تشیع او ندارد.

۳. الحمد لله الذی... و قدم المفضول علی الافضل لمصلحة اقتضاها التکلیف.
۴. شیخ مفید رساله ای در خصوص اشکالات دلالتی این سخن به رشته تحریر در آورده است. این رساله به سال ۱۴۱۳ قمری از سوی کنگره بزرگداشت شیخ مفید در قم به چاپ رسیده است.
۵. نک: الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، صص، ۶۴، ۲۵۵.
۶. هم چنین ر. ک الرازی، التفسیر الکبیر، ۱/ ۲۸۱.
۷. تجلی لعباده من غیر ان رأوه و أراهم نفسه من غیر ان تجلی لهم.
۸. من وسع دنیاه فلم یعلم انه قد مکر به فهو مخدوع عن عقله.
۹. برای تفسیر انتساب جبر به خدای تعالی و اختلافهای کلامی موجود نک: الراغب الاصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۸۶؛ الرازی، ۱۳۹۶ق، صص ۱۹۹-۱۹۸.
۱۰. ای آفریننده و نظام بخش آسمانها و سرشت آفرین دلها و موجودات چه نیک بخت و چه نگون بخت (الراغب الاصفهانی ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۷۷) بخش اخیر این روایت را می‌توان در شرح نهج البلاغه اثر ابن ابی الحدید ج ۹، صص ۱۳۶-۱۳۴ و النهایة فی غریب الحدیث والاثر، ج ۱، ص ۲۱۷ دید.
۱۱. یا جابر کل کسیر و مسهل کل عسیر.
۱۲. مولی در معانی چندی به کار می‌رود؛ از جمله آزاد کردن بنده و آن غیر عربی که وابسته به قبیله ای از اعراب است و بنا بر نظر شمد ثانی، بیشترین کاربرد این لفظ، معنی نخست است (نک، ۱۴۰۸ق، الرعایه، صص ۳۹۲-۳۹۰).

۱۳. در نسخه چاپی مفردات این آیات با اندکی تغییر دیده می‌شود.
۱۴. وهو مع استقامته فى العريه تكلف و ابتداع و عزوه الى مثل على رضى الله عنه ابدع.
۱۵. مراد از این عبارت آسمانهای هفتگانه است (ابن اثیر، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۳۴۲).
۱۶. من كثرت اخوته اشدت ظهره بهم وعزّ.
۱۷. نک ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۸۴.
۱۸. نک: الطحاوی، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۲۷؛ ابن خزیمه، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۲۸؛ الیهقی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۱۷؛ الدارمی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۶۷؛ ابن عبد البر، ۱۳۸۷ق، ج ۵، ص ۲۱۵.
۱۹. مفهوم عبارت این است که دختران پیش از بلوغ، مادر به امر آنان اولویت دارد و پس از بلوغ، این حق به عصبه (خویشاوندان پدری) اختصاص دارد.
۲۰. در باره روایاتی که بر این مطلب دلالت دارد، نک: الامینی، ۱۳۶۶ش، ج ۸، صص ۸۹-۸۷.

کتابنامه

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن محمد، شرح نهج البلاغه، بیروت، ۱۳۸۵ق، دوم.
۳. ابن اثیر الجزری، المبارک بن محمد، النهایة فى غریب الحدیث والائثر، صیدا، المکتبه المصریه، ۱۴۲۶ق.
۴. ابن جوزی، عبد الرحمن، التحقیق فى احادیث الخلاف، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق، اول.
۵. ابن حجر العسقلانی، احمد، الدرایسة فى تخریج احادیث الهدایه، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۶. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، مصر، مؤسسه قرطبه، بی تا.
۷. ابن خزیمه، محمد، صحیح ابن خزیمه، بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۳۹۰ق.

۸. ابن عبد البر القرطبی، یوسف بن عبد الله، التمهید، مغرب، وزاره الاوقاف، ۱۳۸۷ق.
۹. ابن ماجه القزوينی، محمد، سنن ابن ماجه، بیروت، دار الفکر.
۱۰. ابو داوود السجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۱۱. الامین، السید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف، ۱۴۰۳ق.
۱۲. الامینی، عبد الحسین، الغدیر، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶ش، دوم.
۱۳. البستی، محمد بن حبان، المجروحین، حلب، دار الوعی، بی تا.
۱۴. البیهقی، احمد، سنن البیهقی الکبری، مکه، دار الباز، ۱۴۱۴ق.
۱۵. الترمذی، محمد، سنن الترمذی، بیروت، دارالاحیاء التراث الاسلامی، بی تا.
۱۶. الحسینی الجلالی، السید محمد حسین، فهرس التراث، قم، دلیل ما، ۱۴۲۲ق.
۱۷. الخطیب البغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۱۸. الدار قطنی، علی بن عمر، سنن الدار قطنی، بیروت، دار المعرفه، ۱۳۸۶ق.
۱۹. الدارمی، عبد الله، سنن الدارمی، دار الکتب، ۱۴۰۷ق، اول.
۲۰. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تهران، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
۲۱. الراغب الاصفهانی، حسین بن محمد، مترجم: سید غلامرضا خسروی حسینی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
۲۲. الرازی، فخر الدین، التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۳. الرازی، فخر الدین، شرح اسماء الله الحسنی، قاهره، مکتبه الکلیات الازهریه، ۱۳۹۶ق.

۲۴. الزمخشري، محمود بن عمر، الفائق في غريب الحديث، صيدا، المكتبة المصرية، ۱۴۲۶ق، اول .
۲۵. الرازي، فخر الدين، تفسير الكشاف، بيروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۶ق، دوم.
۲۶. السيد الرضى، محمد بن الحسين، نهج البلاغه، به تصحيح د. صبحي صالح، قم، هجرت، بى تا.
۲۷. السيوطى، جلال الدين، الاتقان فى علوم القرآن، دمشق، دار إبن كثير، ۱۴۰۷ق.
۲۸. السيوطى، جلال الدين، الدر المنثور فى التفسير المأثور، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۳ق، اول.
۲۹. الطبرانى، سليمان بن احمد، المعجم الكبير، الموصل، مكتبه العلوم و الحكم، ۱۴۰۴، دوم .
۳۰. الطحاوى، احمد، شرح معانى الآثار، بيروت، دارلكتب العلميه ، ۱۳۹۹ق.
۳۱. الطهرانى، آقا بزرگ، الذريعه الى تصانيف الشيعه، قم، اسماعيليان، ۱۴۰۸ق.
۳۲. العظيم آبادى، محمد، عون المعبود، بيروت، دارلكتب العلميه، ۱۴۱۵ق.
۳۳. الفيروز آبادى، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۴۲۵ق، اول .
۳۴. القزوينى، عبدالكريم بن محمد، التذوين فى اخبار قزوين، بيروت، دارالكتب العلميه، ۱۹۸۷ م.
۳۵. قمى، عباس، هديه الاحباب، تهران، امير كبير، ۱۳۶۳ش.
۳۶. الكاتب الجلبى، مصطفى بن عبد الله، كشف الظنون عن أسامى الكتب و الفنون، دارالكتب العلميه، ۱۴۱۳ق.
۳۷. الكلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۶۷ش.
۳۸. المقدسى، عبد الله بن محمد، المغنى، بيروت، دار الفكر، ۱۴۰۰ق، اول.
۳۹. المناوى عبدالرؤوف، فيض القدير، مصر، المكتبه التجاربه الكبرى، ۱۳۵۶، اول .

۴۰. النسائي، احمد بن شعيب، سنن النسائي، حلب، المطبوعات
الاسلاميه، ۱۴۰۶ق، دوم.

۴۱. النيسابوري، محمد، المستدرک على الصحيحين، دارالکتب العلميه،
بيروت، ۱۴۱۱، اول.